

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2025; 15(40): e34

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Ethical Requirements for Obtaining Evidence in the Criminal Proceedings

Hamed Chegini^{1*}

1. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In criminal proceedings, one of the important issues is the issue of obtaining evidence. Obtaining evidence must be carried out in accordance with ethical and legal principles and standards, and collecting and presenting criminal evidence must be carried out in a legal and ethical manner. In collecting criminal evidence, in addition to observing principles such as the principle of innocence, important issues such as preserving the honor and human dignity of the litigants, observing the legal rights of the accused, obtaining evidence legitimately, transparency and honesty are essential. This research has been conducted with the aim of explaining the ethical requirements for gathering evidence in criminal proceedings.

Methods: This article is descriptive-analytical and has been prepared and compiled using the documentary method, library resources, and note-taking tools.

Ethical Considerations: Honesty and trustworthiness have been observed in all stages of writing.

Results: Any violation of the rights of the litigants or their human dignity is against the law and ethics. If the aforementioned ethical and legal issues are not observed in the process of trial and obtaining evidence, the evidence presented lacks legal validity, and it is necessary for the judicial authority to refrain from accepting and citing it in such cases.

Conclusion: Given that the relationship between morality and law is considered a General-particular relationship from one aspect, it is essential that judges and judicial authorities refrain from issuing decisions and actions that are contrary to moral values in the criminal trial process, and they must strive to observe moral principles and values in addition to observing legal principles. Violation of moral principles by judicial and law enforcement authorities, in addition to being considered inherently immoral behavior, will also lead to the loss of trust in society. In the trial process, the end does not justify the means, and the judicial system should not ignore moral principles and seek to collect evidence through illegitimate means solely with the aim of punishing the perpetrator or proving his or her committed behavior. The criminal system should reach a level of excellence that does not accept illegitimate means of obtaining evidence and rely solely on evidence obtained through legitimate methods in its decisions.

Keywords: Obtaining evidence, Ethics, Criminal proceedings, Defendant

Corresponding Author: Hamed Chegini; **Email:** hamed.chegini@malayeru.ac.ir

Received: November 5, 2025; **Accepted:** December 18, 2025; **Published Online:** February 28, 2026

Please cite this article as:

Chegini H. Ethical Requirements for Obtaining Evidence in the Criminal Proceedings. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2025; 15(40): e34.



الزامات اخلاقی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری

حامد چگینی^{*۱}

۱. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در دادرسی‌های کیفری یکی از موارد مهم، موضوع تحصیل دلیل است، تحصیل دلیل باید با رعایت اصول و موازین اخلاقی و قانونی صورت پذیرد و جمع‌آوری و ارائه ادله کیفری به روشی قانونی و اخلاقی به عمل آید. در جمع‌آوری ادله کیفری در کنار رعایت اصولی چون اصل برائت، موضوعات مهمی چون حفظ شان و کرامت انسانی اصحاب دعوی، رعایت حقوق قانونی متهم، تحصیل دلیل به صورت مشروع، شفافیت و صداقت، ضروری است. این تحقیق با هدف تبیین الزامات اخلاقی تحصیل دلیل در دادرسی‌های کیفری انجام شده است.

روش: این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری، تهیه و تدوین شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: هرگونه نقض حقوق اصحاب دعوی یا کرامت انسانی آن‌ها خلاف قانون و اخلاق است. چنانچه موارد اخلاقی و قانونی مذکور در فرآیند دادرسی و تحصیل دلیل رعایت نگردد، ادله ارائه‌شده فاقد وجهت قانونی است و ضروری است در چنین مواردی مقام قضایی از پذیرش و استناد به آن خودداری نماید.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه رابطه اخلاق و حقوق رابطه عموم و خصوص من وجه محسوب می‌شود، ضروری است در فرآیند دادرسی‌های کیفری، قضات و مقامات قضایی از صدور تصمیمات و اقدامات مغایر با ارزش‌های اخلاقی خودداری نمایند و می‌بایست تلاش نمایند، علاوه بر رعایت اصول قانونی، اصول و ارزش‌های اخلاقی را نیز رعایت کنند. نقض اصول اخلاقی توسط مراجع قضایی و انتظامی علاوه بر اینکه رفتاری ذاتاً غیراخلاقی محسوب می‌شود، سبب سلب اعتماد افراد جامعه نیز خواهد شد. در فرآیند دادرسی هدف توجیه‌کننده وسیله نیست و دستگاه قضایی نباید صرفاً با هدف مجازات نمودن مرتکب یا اثبات رفتار ارتكابی وی، اصول اخلاقی را نادیده گرفته و در پی آن به دنبال جمع‌آوری ادله از طریق نامشروع باشد. نظام کیفری بایست به درجه‌ای از تعالی برسد که طرق نامشروع تحصیل دلیل را مورد پذیرش قرار نداده و در آرای خود صرفاً به ادله‌ای که از روش مشروع حاصل شده‌اند استناد نماید.

واژگان کلیدی: تحصیل دلیل، اخلاق، دادرسی کیفری، متهم

نویسنده مسئول: حامد چگینی؛ پست الکترونیک: hamed.chegini@malayeru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Chegini H. Ethical Requirements for Obtaining Evidence in the Criminal Proceedings. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2025; 15(40): e34.

مقدمه

یکی از موضوعات بسیار مهم در آیین دادرسی کیفری، بحث دلیل و چگونگی تحصیل آن است، به نحوی که عده‌ای بر این باورند تاریخ آیین دادرسی کیفری، در حقیقت تاریخ تحول ادله اثبات است (۱). در حوزه ادله اثبات، اصل بر براءت افراد است و گناهکار بودن افراد نیاز به ارائه دلیل دارد. در آیین دادرسی کیفری هرگاه دادگاه قصد صدور حکم محکومیت متهم را داشته باشد ضروری است در حکم خود دلایل اثبات دعوی و مستندات محکومیت شخص را قید نماید و مسلم است بدون به دست آوردن دلیل یا ادله لازم، امکان صدور حکم محکومیت وجود ندارد، لیکن برای به دست آوردن دلیل رعایت مواردی از جمله امور اخلاقی و قانونی در تحصیل دلیل ضروری است؛ یعنی ضابطین قضایی، مراجع تحقیق، تعقیب، دادگاه و هر شخص دیگری که در فرآیند دادرسی نقش دارد باید در جمع‌آوری ادله، اصول اخلاقی و قانونی را رعایت نمایند و چنانچه ادله‌ای خارج از ضوابط جمع‌آوری گردد از اعتبار خارج است. در امور کیفری اصولاً دلایل از قبل جمع‌آوری نمی‌شوند بلکه بعد از وقوع رفتار مجرمانه اقدامات لازم در جمع‌آوری دلیل به عمل می‌آید لذا در مواردی ممکن است مقامات دخیل در فرآیند دادرسی برخی اصول اخلاقی را رعایت نکنند، یقیناً این طریق از تحصیل دلیل برخلاف موازین اخلاقی است. فرآیند تحصیل دلیل تا جایی اهمیت دارد که قانونگذار در عالی‌ترین سند حقوقی کشور یعنی قانون اساسی نیز تحصیل دلیل قانونی را مورد تأکید قرار داده است. مقنن در اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر داشته است «هرگونه شکنجه برای اقرار یا کسب اطلاعات ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» با توجه به اینکه قانون اساسی تعیین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی است و همچنین حدود و اختیارات حاکمیتی را نیز مشخص می‌کند، بدیهی است سایر قوانین نیز باید از آن تبعیت کنند (۲).

در فرآیند دادرسی کیفری، رعایت اصول اخلاقی امری بنیادین است؛ زیرا هدف دادرسی، هرچند هم که دارای اهمیت باشد، مجوز توسل به وسایل غیراخلاقی یا نادرست برای تحصیل دلیل محسوب نمی‌شود. لذا نظام کیفری بایست همواره شأن و کرامت افراد را حتی اگر متهم به ارتکاب جرم باشند رعایت نماید. وجود عدالت اجتماعی و احساس امنیت و آزادی که شهروندان در پناه دولت قانون‌مدار احساس می‌کنند سبب افزایش اعتماد عمومی آنان خواهد شد و تقویت این اعتماد عمومی می‌تواند در پناه حفظ و صیانت از حقوق افراد متبلور شود. متهم نیز به‌عنوان عضوی از اجتماع انسانی از حقوقی برخوردار است که یکی از موارد آن تحصیل دلیل به شیوه‌های کاملاً مقبول و انسانی علیه اوست (۳). به عبارت دیگر شخص متهم هرچند ممکن است در نهایت مجرمیت او نیز ثابت شود لیکن در تحصیل دلیل علیه او جهات مشروع و اخلاقی نیز باید رعایت گردد. در موارد متعددی ممکن است مراجع قضایی، انتظامی و حتی ضابطین دادگستری در جمع‌آوری ادله علیه متهم اصول اخلاقی را رعایت نکنند مثلاً بدون مجوز اقدام به کنترل مکالمات تلفنی او نمایند یا او را فریب دهند تا اقرار نماید و یا از اقداماتی مانند دام‌گستری استفاده کنند، هر کدام از این موارد مشمول جهاتی است که امور اخلاقی در آن رعایت نمی‌شود و به نظر می‌رسد استناد به این دلایل و حتی صدور حکم محکومیت مستند به آن بلاوجه می‌باشد. اصل قانونی بودن که خود مشمول رعایت مصادیق اخلاقی نیز می‌باشد، علاوه بر اینکه در حقوق جزا و تعیین جرم و مجازات باید رعایت گردد، در دادرسی کیفری و تحصیل دلیل نیز رعایت آن الزامی است و ضروری است در راستای حفظ کرامت انسانی و احترام به حقوق دفاعی متهم و همچنین مقابله با اعمال خودسرانه مجریان عدالت کیفری اصل قانونی بودن در تحصیل دلیل نیز رعایت گردد (۴).

درخصوص سابقه پژوهش بیان می‌گردد تاکنون، پژوهش‌های مختلفی درخصوص تحصیل دلیل در امور کیفری انجام شده است که از جمله آن می‌توان به این تحقیقات زیر اشاره نمود: آقای عزیزالله فهیمی و خالقداد اسدی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی قاعده منع تلقین دلیل در دادرسی اسلامی» در مجله

بحث

۱. مفاهیم و اصطلاحات

در ابتدای ورود به بحث به ذکر برخی از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با موضوع پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم دلیل و مشروعیت تحصیل آن در امور کیفری: دلیل در لغت به معنای راهنما، راهبر، گواه و نشان است. در اصطلاح حقوقی طبق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به آن استناد می‌کنند» از نظر برخی حقوقدانان «دلیل به چیزی گفته می‌شود که ذهن آدمی را از مجهول به معلوم رهنمون گردد خواه به‌طور قطعی باشد خواه به‌طور ظنی» و یا در تعریف دیگری بیان شده است «دلیل چیزی است که برای اثبات امری در دعاوی به کار می‌رود» (۵). از نظر حقوق کیفری دلیل هر نوع وسیله است که وجود یا عدم امری یا صحت و سقم ادعایی را اثبات کند، همچنین دلیل عبارت از هر وسیله قانونی است که مقامات قضایی را در کشف حقیقت و حصول اقتناع وجدانی و اتخاذ تصمیم‌های عادلانه کمک می‌نماید (۶). به‌طور کلی دلیل در امور کیفری را می‌توان «هر وسیله یا شیوه قانونی که برای اثبات جرم و انتساب آن به متهم یا نفی اتهام به هدف کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد» تعریف کرد (۳)؛ بنابراین دلیل در امور کیفری به هر چیزی که منجر به کشف واقعیت شود گفته می‌شود و ادله اثبات دعوی ادله‌ای است که برای اثبات امور موضوعی در دعوی کیفری مطرح می‌شود. قانونگذار در ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است «ادله اثبات در امور کیفری شامل مواردی است که در قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است». هرچند بهتر بود تعیین این ادله در قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصویب قرار گیرد لیکن قانونگذار در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادله اثبات دعوی در امور کیفری را مشخص نموده است. ماده فوق اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی را ادله اثبات دعوی در امور کیفری تعیین نموده است.

حقوق اسلامی به بحث و بررسی قاعده منع تلقین دلیل در نظام دادرسی اسلامی پرداخته‌اند. آقای دکتر عباس تدین در مقاله‌ای با عنوان «احترام به حریم خصوصی اشخاص در مقام تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و فرانسه» در مجله نامه مفید به تحصیل دلیل در حقوق ایران و فرانسه و اهمیت توجه به حریم خصوصی در آن پرداخته‌اند. آقای حسین بهرامی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین فقهی حقوقی تحصیل دلیل از سوی قاضی با تأملی در اندیشه امام خمینی» در مجله مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق به بحث تحصیل دلیل از سوی قاضی در جرایم حق‌الله و حق‌الناس پرداخته‌اند. علی‌رغم ارزشمند بودن پژوهش‌های فوق لیکن در این مقالات و سایر منابع استفاده شده، نقش اخلاق در تحصیل دلیل به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفته است لذا در این زمینه پژوهش حاضر دارای نوآوری است.

روش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری، تهیه و تدوین شده است.

یافته‌ها

با توجه به مطالعاتی که در پژوهش حاضر انجام شده است، می‌توان به اصول اخلاقی حاکم بر تحصیل دلیل پی برد. قضات و افراد دخیل در نظام دادرسی از ابتدایی‌ترین مرحله و تحقیقات مقدماتی تا پایان فرآیند دادرسی ملزم به رعایت اخلاق در جمع‌آوری ادله جرم ارتكابی هستند. هرگونه نقض حقوق اصحاب دعوی یا کرامت انسانی آن‌ها خلاف قانون و اخلاق است. چنانچه موارد مذکور در فرآیند دادرسی و تحصیل دلیل رعایت نگردد، ادله ارائه‌شده فاقد وجاهت قانونی است و ضروری است در چنین مواردی مقام قضایی از پذیرش و استناد به آن خودداری نماید.

۱-۲. مفهوم اخلاق و رابطه آن با امور کیفری: اخلاق علمی است که در آن تهذیب نفس و چگونگی رابطه افراد خانواده با یکدیگر و با جامعه بحث می‌شود و هدف این بحث این است که فضایل را از رذایل جدا سازد لذا غایت و هدف علم اخلاق نیل به کمال معنوی و سعادت است (۷). حقوق کیفری و اخلاق با یکدیگر پیوستگی نزدیکی دارند. هرچقدر که رفتار انسان با اصول و مبانی اخلاقی تعارض بیشتری داشته باشد، از نظر حقوق نکوهیده‌تر خواهد بود و در نتیجه کیفری سنگین‌تر برای آن در نظر گرفته خواهد شد. نسبت حقوق کیفری و اخلاق را در دو حالت می‌توان ترسیم کرد. گاه قلمرو اخلاق از قلمرو حقوق کیفری گسترده‌تر است. در این حالت تکالیفی که اخلاق برای افراد تعیین می‌کند کاملاً از قلمرو حقوق خارج است مانند دروغگویی که در اخلاق کاری ناپسند و مذموم است اما در حقوق صرفاً در موارد خاصی مانند شهادت دروغ قابل مجازات است. حقوق یکی از علوم است که همواره از اخلاق بهره برده و تلاش شده است در امور مختلف آن موضوعات مورد تأکید اخلاق رعایت شود؛ به‌طوری که در هر دو علم اخلاق و حقوق وجوه مشترک زیادی وجود دارد. در ارتباط میان حقوق و اخلاق با نفی تساوی و تباین میان دو مفهوم کلی اخلاق و حقوق، می‌توان قائل به رابطه منطقی عموم و خصوص من وجه میان این دو مفهوم بود به نحوی که آن دسته از ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی که جنبه اجتماعی دارند و نقض آن‌ها به زیان دیگران یا نادیده گرفتن مصالح عمومی اعم از مصالح مادی و ارزش‌های معنوی می‌شود بخشی از حوزه حقوق را هم شامل می‌شود (۸). به عبارت دیگر در هنگام مقایسه این دو علم به این نتیجه می‌رسیم که برخی احکام و گزاره‌های اخلاقی صرفاً مربوط به اخلاق می‌باشند و هیچ ارتباطی به حقوق ندارند مانند پرهیز از تکبر، غیبت و دروغ. از طرف دیگر برخی گزاره‌های حقوقی مانند رعایت قوانین رانندگی و عبور غیرقانونی از مرز فقط مرتبط با حقوق هستند و هیچ ارتباطی با اخلاق ندارند. برخی دیگر از موارد مانند خیانت در امانت و سرقت با هر دو علم اخلاق و حقوق ارتباط دارند و میان علوم مذکور مشترک هستند (۹). در تمامی نظام‌های اخلاقی از جمله اخلاق حرفه‌ای در حوزه

حقوق، مؤلفه اخلاقی مشاهده می‌شود. اخلاق در معنای عام بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای عام تأکید می‌کند و اخلاق حرفه‌ای در حوزه حقوق، بر بایدها و نبایدهایی ویژه صاحب منصبان حقوقی در رسیدن به رفتار حرفه‌ای مطابق با ارزش‌های اخلاقی آن حرفه رهنمون می‌شود (۸).

۲. رویکرد نظام‌های مختلف در تحصیل و ارائه دلیل

در نظام‌های مختلف حاکمیتی و حقوقی کشورهایی که مبتنی بر جمهوریت هستند معمولاً توجه خاصی به آزادی‌های عمومی و دفاع از منافع مردمی دارند و مفاهیم مرتبط با حقوق ملت و پاسداری از منافع مشروع شهروندان سرلوحه قوانین و مقررات آن‌ها است (۱۰). تحصیل و ارائه دلیل در امور کیفری تابع دو نظام متفاوت یعنی نظام آزادی دلیل و نظام ادله قانونی است و هر کشوری در خصوص ادله کیفری تابع یکی از این دو نظام است. هریک از این نظام‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا در اثر آن بتوان مباحث مرتبط با تحصیل دلیل و رعایت اخلاق و مشروع بودن دلیل را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲. نظام تحصیل آزادانه دلیل: در نظام آزادی ادله جستجوی دلیل می‌تواند از هر طریق و شیوه‌ای انجام پذیرد. در این نظام، ادله دارای سلسله مراتب نیست و مقام رسیدگی نیز به ادله ارائه شده وابسته نیست. در این نظام هیچ‌گونه محدودیتی به غیر از آنکه در قانون یا رویه قضایی مشخص شده است در ارائه دلیل وجود ندارد که از آن می‌توان تحت عنوان ادله آزاد یا آزادی ادله در امور کیفری نام برد. لازم به ذکر است که آزادی در تحصیل دلیل به معنای آزادی به صورت مطلق نیست و حتی در نظام مذکور تحصیل دلیل با موانع و محدودیت‌های قانونی و اخلاقی خاصی که در قانون یا رویه قضایی تعیین شده است مواجه خواهد بود (۳). بدیهی است آزادی دلیل به صورت مطلق، آزادی‌های فردی و حریم خصوصی شهروندان را در معرض تضییع قرار می‌دهد، لذا هرچند در این نظام نیز دادرسان در ارزیابی ادله ارائه شده و قبول یا رد آن‌ها اختیار دارند لیکن در پذیرش دلیل مجاز به عدم رعایت اصول اخلاقی و قانونی نمی‌باشند. به‌عنوان نمونه در این نظام نیز ادله فاقد ارزش قضایی و یا تحصیل دلیل از طریق نامشروع از نظر بازرسان کیفری قابل پذیرش نخواهد

بود. به‌طور کلی در نظام آزادی دلیل دادرسان در پذیرش یا رد ادله ارائه شده مختار هستند و می‌توانند آزادانه دلایل ارائه شده را ارزیابی نمایند به‌طوری‌که دادرس در کمال آزادی ارزش ادله ابرازی را ارزیابی نموده و در رد یا قبول آن صاحب اختیار می‌باشد و با استفاده از تمامی وسایل و امکانات اقدام به کشف حقیقت و انشای رأی براساس اعتقاد باطنی خود می‌نماید.

۲-۲. نظام ادله قانونی: در نظام ادله قانونی طرفین دعوی صرفاً می‌توانند دلایلی را که در قانون تعیین شده است ارائه نمایند و دادگاه ادله خارج از قانون را مورد پذیرش قرار نخواهد داد. در این نظام ادله دارای سلسله مراتب است و برخی از ادله بر سایر دلایل برتری و ارجحیت دارد. در این نظام اصالت با قانون است و قاضی، حق تجاوز از چارچوب تعیین‌شده در قانون را ندارد. در نظام ادله قانونی، دلایل دعوی، همیشه مشخص و محدودند و قواعد ثابتی در زمینه دادرسی در نظر گرفته می‌شود (۱۱). در نظام ادله قانونی دادرسی صرفاً بر مبنای ادله‌ای انجام می‌گیرد که در قوانین مربوط به دادرسی کیفری به آن اشاره شده است و قاضی نمی‌تواند برخلاف آنچه در قانون پیش‌بینی شده یعنی دادرسی صرف براساس ادله قانونی، عمل کند.

لازم به ذکر است در سیستم دادرسی ایران، با توجه به ویژگی‌های دادرسی اسلامی، روش ادله آزاد تثبیت و تسجیل شده است اما با توجه به رویکرد قانونگذار در جرایم دارای مجازات حد و قصاص می‌توان ترکیبی از سیستم ادله قانونی و ادله آزاد را جاری دانست لیکن به نظر می‌رسد تفوق و برتری با نظام دادرسی اخیر است (۱).

۳. اصول حاکم بر تحصیل دلیل و نقش اخلاق در آن

مجازات مجرمان نشان‌دهنده آشکارترین شکل اعمال قدرت دولت بر ساکنان قلمرو تحت حاکمیت خود است لیکن اجرای مجازات جنبه استثنایی دارد و اعمال این قدرت باید تحت حاکمیت قانون انجام شود و حاکم نظام جامعه بایست از تعقیب و پیگیری رفتارهای از پیش جرم‌انگاری نشده اجتناب نماید. برای مجازات مرتکبین رفتارهای مجرمانه نظام حاکمیتی باید فرآیند دادرسی کیفری عادلانه را طی نماید و

در فرآیند دادرسی در کنار اصل قانونی بودن در رسیدگی به جرایم یا اتهامات انتسابی به مرتکبین جرم فرصت مناسب دهد تا در پناه اصل برائت بی‌گناهی خود را اثبات نماید (۹). در دادرسی کیفری ضروری است افراد دخیل در فرآیند دادرسی در جمع‌آوری ادله، اصول قانونی و اخلاقی را رعایت نمایند به نحوی که هدف آن‌ها صرفاً محکومیت متهم و اجرای مجازات نباشد. به بیان دیگر در جمع‌آوری ادله حفظ کرامت متهم، حفظ حریم خصوصی او، رعایت اصل رازداری و ... مواردی است که از طرف افراد دخیل در دادرسی باید رعایت شوند چه بسا در بسیاری از موارد اصول فوق رعایت نشده و در اثر آن ادله‌ای به ضرر متهم یا مرتکب نیز جمع‌آوری گردد. به نظر می‌رسد جمع‌آوری این قبیل ادله، هرچند می‌تواند مستندی در صدور رأی قرار گیرد لیکن نحوه تحصیل آن مورد تأیید اخلاق نیست و مشروعیت لازم را از نظر اخلاقی و قانونی ندارد. به‌طور کلی، تمامی افراد دخیل در فرآیند دادرسی کیفری، از قضات که متصدی امر قضاوت و رسیدگی هستند تا ضابطان دادگستری از جمله نیروهای انتظامی که در کشف و جمع‌آوری ادله نقش‌آفرینی می‌کنند، از منظر اخلاق حرفه‌ای ملزم به رعایت اصول اخلاقی هستند و التزام عملی به موازین اخلاقی برای آنان امری اساسی و ضروری محسوب می‌شود؛ زیرا در قلمرو حرفه‌های مذکور وضعیت‌هایی مانند استفاده از اختیارات و قدرت، تضمین حقوق شهروندان، متهمان و مجرمان، حفظ اسرار، توجه به حریم خصوصی و کرامت انسانی اشخاص و ... از جمله مواردی است که صاحب منصبان مزبور را با موضوعات اخلاق مواجه می‌سازد و یافتن پاسخ و عکس‌العمل مناسب و درست و مطابق اخلاق در این وضعیت‌ها، کار ساده‌ای نیست (۸). مهمترین اصول حاکم بر تحصیل دلیل که علاوه بر حقوق از نظر اخلاق نیز رعایت آن‌ها ضروری است به شرح آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. احترام به حریم خصوصی اشخاص در تحصیل دلیل: برخی از جنبه‌های زندگی افراد صرف نظر از جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنند خصوصی محسوب می‌شود. حریم خصوصی قسمتی از زندگی افراد است و هر شخص نوعاً

یا عرفاً یا شخصاً رضایت ندارد دیگران در آن قلمرو وارد شده و به نحوی از انحا آن را مورد تعرض قرار دهند. به نظر عده‌ای، حریم خصوصی خاص انسان‌ها است و دیگر اشخاص مانند اشخاص حقوقی از این حریم برخوردار نیستند (۱۲). محرز است انسان‌ها از یک حریم خصوصی کاملاً برابر و یکسان برخوردار نیستند و دایره و شمول حریم خصوصی در افراد مختلف با هم فرق دارند، لذا بدیهی است قلمرو حریم خصوصی افرادی چون داوطلبان مناصب سیاسی و اجرایی و شخصیت‌های دولتی در مقایسه با شهروندان عادی محدودتر باشد، اما بدون شک تمامی افراد از یک قلمرو خاص تحت عنوان حریم خصوصی برخوردار می‌باشند. حمایت از حریم خصوصی مبانی خاصی دارد که ازجمله آن‌ها می‌توان به حمایت از آبرو و حیثیت افراد، حمایت از آزادی و استقلال آن‌ها و همچنین نیاز فطری انسان به حریم خصوصی نام برد.

در نظام حقوقی ایران، قانونگذار در قوانین مختلف حریم خصوصی را برای افراد به رسمیت شناخته و نقض این حق را توسط دیگران ممنوع اعلام داشته است. در قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور مقنن در اصل ۲۵ مقرر داشته است «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». همان‌گونه که قابل‌مشاهده است احترام به مسکن، مکاتبات و مراسلات اشخاص در راستای ارزش نهادن به خصوصیات شخصی و فردی مورد توجه قرار گرفته است (۱۳). این اصل در مقام یک قاعده کلی هرگونه تجسس و بازرسی را بدون مجوز قانونی منع نموده است و چنانچه نیاز به بررسی و ورود به موارد قیدشده در اصل مذکور باشد این کار باید با مجوز و حکم قانون انجام شود (۱۴). اصل ۲۲ قانون اساسی نیز حیثیت و حقوق افراد را مصون از تعرض دانسته و با توجه به اینکه حیثیت رابطه بسیار نزدیکی با حریم خصوصی دارد لذا حمایت از حریم خصوصی در این اصل نیز مورد تأکید قانون قرار گرفته است.

با توجه به موارد فوق حمایت قانونی از حریم خصوصی توسط نهاد قانونگذاری در ایران کاملاً مشهود است لذا در فرآیند

دادرسی کیفری صاحبان دعوی، ضابطین دادگستری و تمامی افراد دخیل در دادرسی مکلف‌اند در جمع‌آوری ادله کیفری حریم خصوصی طرفین دعوی را رعایت نمایند. مطابق با اصول دادرسی اگر ادله‌ای در نتیجه نقض حریم خصوصی دیگران حاصل شود این دلیل قابل استناد نیست و مقام قضایی باید آن را از اعداد دلیل قابل استناد خارج نماید. با توجه به مطالب فوق اگر مقام قضایی یا اصحاب دعوی بدون رعایت تشریفات قانونی مذکور حریم خصوصی دیگران را نقض نمایند و در نتیجه آن ادله‌ای علیه یکی از اصحاب دعوی یا طرف مقابل تحصیل نمایند این اقدام علاوه بر اینکه رفتاری مغایر قانون می‌باشد با اصول اخلاقی نیز مغایرت خواهد داشت و حتی استناد به آن مغایر با موازین اخلاقی است. غالباً حریم خصوصی افراد در فرآیند دادرسی در دو حالت ممکن است مورد تعرض قرار گیرد، گاه ممکن است این رفتار در مرحله تحقیقات و بازجویی اتفاق افتد و گاه ممکن است در بازرسی‌ها و معاینات محل که در راستای تحصیل دلیل صورت می‌گیرد حادث شود. هر کدام از این موارد را به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱-۳. حفظ حریم خصوصی در مرحله تحقیقات و بازجویی: یکی از مراحل دادرسی کیفری که بسیاری از ادله کیفری نیز در این مرحله حاصل می‌شود، بحث تحقیقات و بازجویی از متهم است که توسط مقام تحقیق انجام می‌گیرد. در این نوع از تحقیقات و بازجویی‌ها، حفظ حریم خصوصی افراد اعم از متهم یا بزه‌دیده ضروری است و افرادی که بازجویی و تحقیقات لازم را به عمل می‌آورند باید نهایت صداقت و امانداری را رعایت نمایند و هرگونه تحقیق و بازجویی را مطابق قانون و در راستای روشن شدن واقعیت انجام دهند. این افراد بایست از طرح هرگونه پرسش که بی‌ارتباط با اتهامات انتسابی است خودداری نمایند. مطابق با بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی «پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد».

علاوه بر قانون اساسی و سایر قوانین که در مطالب گذشته مورد بحث قرار گرفت، قانون مجازات اسلامی نیز در موارد مختلفی چون مواد ۵۸۲ و ۶۰۴ بر حمایت از حریم خصوصی افراد تأکید نموده است. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری نیز در ماده ۱۵۰ به حمایت از حریم خصوصی پرداخته و مقرر نموده است: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره ۱. شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲. کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظر مشورتی شماره ۳۵۰/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ جواز کنترل تلفن را صرفاً در خصوص جرایم مرتبط با امنیت ملی و مصادیق بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری قابل اعمال می‌داند و در سایر موارد قائل به خروج موضوعی از ماده مذکور و عدم جواز است. لذا با توجه به موارد فوق چنانچه مقامات دادرسی یا دادگاه برخلاف مطالب ذکرشده، در طول تحقیقات مقدماتی خارج از ضوابط اقدام به کنترل و شنود مکالمات متهم نمایند، رفتاری خلاف قانون و اخلاق محسوب شده که در نتیجه آن نقض حریم خصوصی افراد محقق خواهد شد.

قانون‌گذار در ماده ۷۴۵ قانون مجازات اسلامی نیز (ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای) به حمایت از حریم خصوصی پرداخته و در حمایت از این حق مقرر داشته است: «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم

خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از شصت و شش میلیون (۶۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». اداره حقوقی قوه قضائیه در نظر مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۷۷۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ صرف دسترسی غیر مجاز به سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و گوشی دیگران را مشمول ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی دانسته و مرتکب را قابل مجازات می‌داند. از نظر اداره مذکور انگیزه مرتکب در تحقق رفتار مجرمانه شرط نیست لذا اگر شخصی در راستای تحصیل دلیل در این خصوص اقدام نموده باشد علاوه بر اینکه دلیل ارائه شده از طریق مشروع حاصل نشده است، شخص مذکور نیز مرتکب جرم شده است (۱۵).

۳-۱-۲. حفظ حریم خصوصی در بازرسی و معاینات محل: علاوه بر تحقیقات و بازجویی‌ها که حفظ حریم خصوصی در آن الزام است، در بحث بازرسی و معاینات محل نیز رعایت این موضوع ضروری است. بسیاری از دلایل کیفری در زمان بازرسی و معاینه محل حاصل می‌شوند؛ در فرآیند چنین اقداماتی ضابطین قضایی و یا هر شخص دیگر که در بازرسی و معاینه محل حضور دارد مکلف به رعایت حریم خصوصی افراد است. این موضوع در ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. ماده مذکور مقرر داشته است: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط با موضوع خودداری کنند». همچنین ماده ۱۵۲ قانون مذکور مقرر داشته است «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی که عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد...». اهمیت حفظ حریم خصوصی در بازرسی و معاینه محل تا

جایی است که ضابطین دادگستری اگر در بازرسی یا معاینه محل اسباب و آثار و ادله جرمی خارج از اتهام انتسابی به متهم را کشف کنند، حق ورود و جمع‌آوری ادله در این زمینه را نخواهند داشت و صرفاً زمانی می‌توانند ادله کشف‌شده یا مشاهده‌شده نسبت به جرم دیگر را حفظ، صورت‌مجلس و یا گزارش به مرجع قضایی صالح نماید که آن جرم، تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد. این موضوع نیز در ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت مورد تصویب قرار گرفته است و ماده مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد «چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند». با توجه به ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان صرفاً دلایل و مستندات را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی است می‌توانند جمع‌آوری و صورت‌مجلس کنند بنابراین سایر ادله‌ای که خارج از موضوع بحث است و ارتباطی هم به جرم ارتكابی و اتهامات انتسابی ندارد، قابل جمع‌آوری و صورت‌مجلس نیست. اهمیت این موضوع تا جایی است که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظر مشورتی ۷/۹۳/۱۲۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۵ بیان نموده است، با توجه به صراحت ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، وظیفه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل و یافتن ادله و اسباب جرم که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه می‌باشد، این است که ادله مذکور را حفظ نموده و صورت‌مجلس نمایند. لکن به نظر می‌رسد چنانچه آثار جرمی واجد شرایط مقرر در ماده نباشد، یعنی تهدیدکننده امنیت عمومی جامعه نباشد، تکلیفی بر عهده ضابطان از حیث حفظ ادله و اسباب و آثار جرم نیست؛ اما چنانچه مأمورین، دلایل جرمی را که تهدیدکننده جامعه نیست، جمع‌آوری و به دادستان گزارش نمایند، چنانچه جرم اعلام‌شده از جرایم عمومی باشد دادستان دستور تعقیب صادر، اما مأمور به لحاظ ارتکاب تخلف تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

در موارد زیادی مشاهده شده است که مقام قضایی به دلیل عدم رعایت موارد قانونی تحصیل دلیل و نقض حریم خصوصی متهم، دلایل تحصیل شده را از اعداد دلایل خارج نموده و حتی حکم به موقوفی تعقیب متهم نیز صادر کرده است. دادنامه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان کبودرآهنگ استان همدان، یک نمونه از آن می‌باشد که قاضی دادگاه در راستای تحصیل دلیل دستور بازرسی وسایل الکترونیک متهم مانند گوشی و کامپیوتر شخصی او را صادر کرده بود اما ضابطین در هنگام دستور مقام قضائی اقدام به تفتیش سایر وسایل و محل زندگی او نیز کرده بودند و سه بطری مشکوک به مشروبات الکلی را از منزل متهم کشف کرده بودند. قاضی دادگاه به استناد اینکه تحصیل دلیل مربوطه توسط ضابطین خارج از دستور مقام قضایی بوده و به طریق نامشروع و غیر اخلاقی حاصل شده است درخصوص مشروبات الکلی دستور به امحای آن و درخصوص متهم مستند به مواد ۲ و ۷ و ۳۴۰ و ۳۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در زمینه نگهداری مشروبات الکلی قرار موقوفی متهم صادر و اعلام نمود. قاضی صادرکننده رأی در این خصوص بیان داشته دلیلی که جهت شروع به تعقیب قرار گرفته است، گزارش ضابطینی است که براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم نشده است و بنابر مفهوم مخالف ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری معتبر نمی‌باشد و ارزش قانونی ندارد. سیستم عدالت کیفری در وهله اول باید متصف به صفت عدالت باشد تا بتواند مجری عدالت گردد و در صورتی که ضابطین قضایی به‌عنوان عضوی از پیکره این سیستم در کشف دلیل از عدالت خارج شوند، سیستم عدالت کیفری نیز در آن موضوع خاص صلاحیت و شایستگی تعقیب و دادرسی عادلانه را نخواهد داشت.

به‌طورکلی اخلاق ایجاب می‌کند در تحصیل دلیل از ورود به اماکن، تفتیش اشیاء، بررسی اسناد و مدارک و هر موضوعی که ارتباط به جرم ندارد خودداری گردد لذا تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها

امری خلاف اخلاق و قانون محسوب می‌شود این موضوع در بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نیز مورد تصویب قرار گرفته است.

۳-۲. رعایت اصل رازداری و اسرار شغلی: رازداری یکی از مسائل بسیار مهم اخلاقی به ویژه در فرآیند تحصیل دلیل و دادرسی کیفری است. افراد دخیل در فرآیند دادرسی کیفری به واسطه شغل و اختیاراتی که دارند که به برخی از موضوعات محرمانه شخصی و شغلی افراد دسترسی پیدا خواهند کرد. این افراد در تحقیقات و دادرسی‌هایی که انجام می‌دهند خواسته یا ناخواسته برخی از اسرار و امور شخصی افراد را مطلع خواهند شد. اصول اخلاقی حکم می‌کند اولاً در فرآیند تحقیقات و دادرسی‌هایی که انجام می‌گیرد پرسش‌ها و تحقیقاتی که ارتباطی با موضوع پرونده ندارند طرح نشود و ثانیاً در صورت طرح چنین مطالبی، پاسخ و اطلاعاتی که در این قبیل امور به دست مقامات تحقیق اعم از انتظامی و قضایی می‌رسد به‌طور محرمانه در راستای رعایت اصل رازداری باقی بماند (۱۶). این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که قانون‌گذار در مواد ۹۱ و ۱۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری به حمایت از آن اقدام نموده است. قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مذکور بیان داشته است «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند». ماده ۱۴۶ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود». لذا احترام و حفظ اسرار شخصی اصحاب دعوی از طرف مراجع تحقیق و تعقیب در فرآیند دادرسی کیفری از ارکان مهم تحقق عدالت کیفری و تضمین حقوق

متهم و بزه‌دیده است. همچنین طبق ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در این زمینه هر کس که به موجب مقام، شغل و حرفه‌اش از اسرار مردم آگاهی پیدا کند، اگر بدون مجوز قانونی اقدام به افشای سر نماید، به سه ماه و یک روز تا سه سال حبس و یا ۲۰ میلیون ریال تا ۶۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۱۶۲۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۴ در اجرای ماده ۶۵۳ و ۶۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری اطلاعات مربوط به پرونده‌های قضائی را جزء حریم خصوصی افراد اعلام نموده و نظر به حفاظت و صیانت از این اطلاعات داده است. علاوه بر ضمانت اجراهای قانونی معیارهای اخلاقی نیز حکم می‌کند هر شخصی که به واسطه مقام و موقعیت شغلی خود از اسرار خصوصی دیگران مطلع شد در حفظ و محرمانگی آن‌ها تلاش نماید. در بیان علمای اخلاق افشای اسرار موجب ایذا و اهانت به حق دیگر افراد می‌شود. افشای اسرار در مسائل حرفه‌ای و شغلی که شخص به واسطه موقعیت شغلی خود به آن دست پیدا نموده است عواقب خطرناکی چون ریخته شدن آبرو و هتک حیثیت افراد، حاکمیت روح بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه، سلب آرامش روحی و روانی افراد، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی و ... را به دنبال خواهد داشت (۱۷).

۳-۳. عدم استفاده از طرق نامشروع در تحصیل دلیل: با توجه به تعیین ادله کیفری در قانون مجازات و با توجه به اصل مشروعیت تحصیل دلیل، علاوه بر رعایت اصول قانونی، رعایت اصول اخلاقی نیز در تحصیل دلیل ضروری است. در برخی موارد مأمورین یا سایر اشخاص مرتبط در دادرسی، ممکن است در فرآیند جمع‌آوری دلیل به طرقی متوسل شوند که از نظر اخلاقی مورد تأیید قرار نگیرد. مثلاً برخی از امور مانند تجسس در زندگی دیگران در نظام قانونی و اخلاقی منع شده است. لذا در تحصیل دلیل برخی از امور مانند دام‌گستری، شنود غیرمجاز مکالمات تلفنی، فریب متهم و اقرار او به ارتکاب جرم از مواردی است که اگر دلیلی هم حاصل شود، حصول آن از طرق مشروع نیست. اخلاق نیز چنین اقداماتی را در جمع‌آوری ادله مورد تأیید قرار نمی‌دهد. لذا به

نظر می‌رسد مقام قضایی در رسیدگی به چنین مواردی ضروری است ادله حاصله را سلب اعتبار نموده و از اعداد دلایل قابل استناد خارج نماید.

علاوه بر موارد مذکور مطابق با قانون، تحصیل دلیل به برخی طرق نامتعارف مانند اجبار، اکراه و یا شکنجه نیز فاقد اعتبار قانونی است و چنانچه مقام قضایی در رسیدگی کیفری متوجه این موضوع شود نباید با استناد به دلایل مذکور حکم به محکومیت متهم صادر نماید چرا که این دلایل به صورت نامشروع جمع‌آوری شده و فاقد اعتبار قانونی است. همان‌گونه که ذکر شد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه در اصل ۳۸ مقرر داشته است «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود». همچنین اقداماتی مانند بازجویی نیز باید در زمان و شرایط مناسب انجام پذیرد. بدیهی است برخی از ساعات زمان استراحت متهم است لذا اقداماتی مانند بازجویی در این ساعات از نظر اخلاقی صحیح نیست. مثلاً ساعاتی چون نیمه‌شب، متهم در حال استراحت است لذا نباید مورد بازجویی قرار گیرد و یا متهمی که مدت‌زمان زیادی را بیدار بوده و امکان خوابیدن نداشته است یا متهمی که بیمار است را نباید مورد بازجویی قرار داد. چرا که این قبیل اقدامات باید در زمانی انجام شود که متهم از نظر جسمی و سلامت امکان بازجویی را داشته باشد. ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری در راستای پیشگیری از چنین اقداماتی مقرر داشته است تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثرانگشت متهم برسد؛ بنابراین بازجویی‌های چندین ساعته و طولانی، بازجویی‌های خارج از زمان مورد پذیرش عرف مثل بازجویی در ساعت ۳ صبح و یا بازجویی در زمان بیماری متهم، امری غیراخلاقی محسوب می‌شود.

به‌طور کلی قاضی کیفری نمی‌تواند دلایل حاصل از اعمال تهدید، فشار، زور و شکنجه را مورد استناد در حکم قرار دهد. همچنین دلایل جمع‌آوری‌شده از طریق مجرمانه و غیر

صادقانه قابل استناد نبوده و باید رد شود. بدین ترتیب، عکسبرداری و فیلمبرداری مخفیانه از یک مجلس مهمانی خصوصی، ضبط صدای اشخاص بدون صدور مجوز قانونی و یا صورت‌جلسه تنظیمی توسط مأمورینی که بدون مجوز قانونی اقدام به ورود به منزل دیگری کرده باشند، نمی‌تواند مستند صدور رأی قضایی قرار گیرد (۱۱). بسیاری از افراد به واسطه ارتباطی که با متهم دارند می‌توانند به محیط‌های خانوادگی و خصوصی آن‌ها ورود پیدا نمایند، به نظر می‌رسد اگر این شخص بدون مجوز قانونی از این رابطه سوء استفاده نموده و اقدام به ضبط فیلم یا صدا از محیط زندگی متهم نماید دلایل جمع‌آوری‌شده فاقد وجهت قانونی است و اصول اخلاقی نیز در این خصوص رعایت نشده است.

۳-۴. احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: هر شخص هرچند هم که در جایگاه متهم قرار داشته باشد از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است. رعایت این حقوق و آزادی‌های قانونی در تمامی مراحل دادرسی کیفری ضروری است. علاوه بر قانون آیین دادرسی کیفری که موارد مختلف مباحث فوق را به‌عنوان حقوق اشخاص در دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ نیز حقوقی را برای طرفین دعوی پیش‌بینی کرده است که رعایت آن توسط کلیه محاکم، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه ضروری است. ماده ۴ قانون مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد». لذا ضروری است در فرآیند دادرسی کیفری و مرحله تحقیق و تعقیب از هرگونه بی‌احترامی، توهین، تحقیر و استخفاف اجتناب کرد. همچنین ضروری است تحقیقات و بازجویی‌های مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی انجام گیرد و از هر نوع رفتار خارج از قانون، اخلاق و حتی عرف نسبت به متهم خودداری گردد. همچنین در تحصیل دلیل، بازجویی و هرگونه پرسش و پاسخ از متهم، مأموران تحقیق مکلفاند از رفتارهای مانند نشستن پشت سر متهم،

پوشاندن صورت خود یا متهم و یا بردن آنان به محیط‌های نامعلوم خودداری کنند.

نکته قابل ذکر دیگر این است که شخصی که مورد احضار در مراجع قضایی قرار می‌گیرد و متعاقباً مورد بازجویی واقع می‌شود، بازجویی از وی باید در راستای موضوع احضارنامه صورت پذیرد. به‌عنوان مثال اگر شخص به‌عنوان مطلع احضار شده است، سؤالات مرجع قضایی باید صرفاً درخصوص اطلاعات شخص پرسیده شود و نمی‌توان وی را تحت عناوین دیگری مثل عنوان متهم بازجویی نمود. حتی به نظر می‌رسد اگر مقام قضایی شخصی را به‌عنوان مطلع یا شاهد احضار کند و مورد بازجویی قرار دهد و در حین بازجویی بفهمد شخص احضار شده فرضاً متهم اصلی جرم یا شریک یا معاون جرم است از نظر اخلاقی حق بازجویی وی را به‌عنوان متهم ندارد بلکه لازم است مجدداً شخص مذکور به‌عنوان متهم مورد احضار قرار گیرد و بازجویی و پرسش از وی انجام گیرد.

۳-۵. آگاهی متهم از حقوق خود در فرآیند دادرسی کیفری: در اغلب موارد افرادی که به‌عنوان متهم مورد احضار قرار می‌گیرند و در مراجع قضایی یا انتظامی حاضر می‌شوند نسبت به برخی از حقوق خود اطلاع و آگاهی ندارند. اخلاق ایجاب می‌کند مقام تحقیق یا تعقیب بدو در همان مراحل اولیه دادرسی کیفری حقوق پیش‌بینی شده متهم را برای وی تبیین نماید. به‌عنوان نمونه متهم چنانچه پس از احضار تحت نظر قرار گرفته شد یا بازداشت شد، حق دارد این موضوع را به خانواده و بستگان خود اطلاع دهد و چنانچه از این موضوع اطلاع نداشت مقام تحقیق و تعقیب باید این حق را درخصوص وی یادآور نماید که این موضوع در ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است. همچنین قانون و اخلاق حکم می‌کند برخی حقوق متهم مثل حق داشتن وکیل موضوع ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز برای وی تبیین شود تا متهم از حق قانونی خود آگاهی پیدا نماید.

۳-۶. منع تلقین و تحصیل دلیل در برخی از جرایم کیفری: پایه و اساس قضاوت بر دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه است و آداب قضا و همچنین اخلاق حکم می‌کند قاضی در

رسیدگی خود بین متخاصمین اصل بی‌طرفی را مورد رعایت قرار دهد لذا انجام رفتاری که قاضی را از جایگاه بی‌طرفی خارج نماید دور از شأن قضا است.

تلقین دلیل در نظام دادرسی اسلامی یعنی اینکه قاضی به یکی از طرفین دعوی، دلیلی را بیاموزد و یا او را در چگونگی استناد به یک دلیل راهنمایی نماید تا برطرف دیگر دعوی غلبه پیدا نماید؛ مانند تلقین انکار به کسی که قصد اقرار دارد و یا تلقین نکول به کسی که قصد سوگند دارد (۱۸). این موضوع را در حقوق با عنوان منع تحصیل دلیل می‌شناسند؛ و در تعریف آن چنین بیان شده است که «هر دلیلی که ارائه آن از وظایف مدعی باشد و اگر او آن را به دادگاه اظهار نکند و قاضی راساً به نفع مدعی دلیلی را که از وظایف مدعی است مستند رسیدگی به نفع مدعی قرار دهد عمل قاضی را در این وضع تحصیل دلیل گویند» (۵). البته اگر به‌طور دقیق این دو مفهوم را مورد بررسی قرار دهیم نتیجه می‌گیریم که تفاوت‌هایی با هم دارند چرا که در تحصیل دلیل دادرسی خود به سراغ دلیل می‌رود و در تلقین دلیل یکی از طرفین دعوی را به دنبال دلیل می‌فرستد. نکته دیگر اینکه تحصیل دلیل در صورتی ممنوع است که راساً انجام گیرد لذا اگر به درخواست یکی از طرفین باشد اشکال ندارد، اما در تلقین دلیل چنین قیدی وجود ندارد.

در فقه اسلامی تلقین دلیل از سوی قاضی به یکی از متخاصمین در جریان دادرسی حرام گردیده است و حتی بر حرمت آن ادعای اجماع شده است و مهمترین مبانی که در فقه برای قاعده مزبور نام برده شده است اصل بی‌طرفی قاضی، اصل عدم جواز اضرار به غیر و اصل عدم جواز اعانت بر اثم است (۱۸).

تحصیل دلیل توسط قاضی در نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به نظام حقوقی حاکم بر هر کشور ممنوع و یا صرفاً تا حدودی مجاز است؛ یعنی برخی از نظام‌های حقوقی تحصیل دلیل توسط قاضی را کلاً ممنوع و یا صرفاً در مواردی خاص به صورت محدود مجوز این کار داده شده است. در حقوق ایران قاعده منع تحصیل دلیل در ماده ۵۷ قانون اصول محاکمات

حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و سپس ماده ۳۵۸ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ تصریح شده بود؛ بنابراین در حقوق ایران نقش فعال و پرتحرک به دادرس و دستیابی به دلیل در امور مدنی مردود اعلام شده بود. ماده ۳۵۸ قانون مذکور مقرر می‌داشت «هیچ دادگاهی نباید برای اصحاب دعوی تحصیل دلیل کند بلکه فقط به دلایلی که اصحاب دعوی تقدیم یا اظهار کرده‌اند رسیدگی می‌کند تحقیقاتی که دادگاه برای کشف امری در خلال دادرسی لازم بداند از معاینه محل و تحقیق از گواه‌ها و مسجلین اسناد و ملاحظه پرونده مربوط به دادرسی و امثال اینها تحصیل دلیل نیست». مقنن در سال ۱۳۵۶ با تصویب ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری و پس از آن با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در سال ۱۳۷۹ بحث قاعده منع تحصیل دلیل را تعدیل نمود، به‌طوری‌که ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص مقرر داشته است «در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد». لیکن با وجود چنین اجازه‌ای نباید پنداشت که تحصیل دلیل توسط دادگاه به‌طورکلی رها شده و نظام ادله آزاد پذیرفته‌شده است بلکه قاعده منع تحصیل دلیل کماکان در نظام حقوق ایران در امور مدنی وجود دارد و صرفاً تا حدودی تعدیل شده است؛ بنابراین دادگاه در انجام تحقیقات و اقداماتی که انجام می‌دهد باید چارچوب مقررات مربوط را رعایت نماید (۱۹).

باید دانست تحصیل دلیل توسط قاضی در امور کیفری متفاوت با امور مدنی است به نحوی که در امور کیفری قاضی در تحصیل دلیل اختیار بیشتری دارد چرا که در دعاوی کیفری دلایل از قبل وجود ندارد و بعد از تحقق رفتار مجرمانه دلایل جمع‌آوری می‌شوند حتی ممکن است آثار جرم به خاطر عوامل مختلفی از بین برود و یا مرتکب یا سایر افراد دخیل در جرم سعی در امحاء و از بین بردن دلایل داشته باشند، لذا ضروری است قاضی علاوه بر رسیدگی به دلایل ارائه شده به تحصیل یا جمع‌آوری سایر ادله نیز اقدام کند؛ به عبارت دیگر در نظام کیفری دایره تحصیل دلیل نسبت به امور مدنی از

وسعت بیشتری برخوردار است و به‌طورکلی قاعده آزادی تحصیل دلیل در امور کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است. جرایم گاه علاوه بر جنبه خصوصی دارای جنبه عمومی نیز هستند و حتی برخی از جرایم بدون حق خصوصی دارای جنبه عمومی می‌باشند، لذا تعقیب متهم و اقامه دعوی از جنبه عمومی جرم با دادستان بوده و حتی ممکن است برخلاف دادرسی حقوقی شاکی خصوصی هم وجود نداشته باشد که اقامه دلیل را بر عهده او بدانیم؛ بنابراین مقام قضایی ممکن است خودش اقدام به تحصیل دلیل نماید. لذا با توجه به اینکه طبق اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر داشته است «اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» ضروری است در بسیاری از جرایم قاضی در راستای صدور حکم محکومیت مرتکب اقدام به تحصیل دلیل نماید. آزادی تحصیل دلیل در امور کیفری علی‌رغم اینکه دایره شمول بیشتری نسبت به دعاوی حقوقی دارد، مطلق نیست و با استثنائاتی مواجه است به نحوی که اگر مقام قضایی در اثبات این موارد استثنا به دنبال تحصیل دلیل در راستای محکومیت یا مجرمیت مرتکب باشد، رفتار او امری خلاف قانون و مغایر اخلاق محسوب می‌شود و عمل او خلاف بایسته‌های تحصیل دلیل در امور کیفری لحاظ خواهد شد. به‌عنوان نمونه در جرایمی چون جرایم منافی عفت جنسی اگر شاکی خصوصی وجود نداشته باشد و سایر شرایط مقرر در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز از نظر مرئی و منظر بودن، به عفت بودن و سازمان‌یافته بودن عمل منافی عفت تحقق پیدا نکرده باشد، هرگونه تحقیق، تعقیب و به‌طورکلی تحصیل دلیل ممنوع است. همچنین مقنن در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عفت است از شمول این حکم مستثنی است». لذا با توجه به

مواد فوق مقنن هرگونه تحقیق و بازجویی و تحصیل دلیل را در نبود ادله اثبات قانونی ممنوع اعلام کرده است.

ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی رویکرد کلی نظام قضایی را به جرایم منافی عفت جنسی مورد تغییر و تحول قرار داد. ماده مذکور که منبعث از فقه اسلامی است تلاش دارد عدم واکاوی در جرایم منافی عفت را که توصیه دینی نیز هست وارد نظام تقنینی کند. در تفسیر این ماده چنین برداشت می‌شود که مقام قضایی نمی‌تواند برای حصول علم و تمسک به علم تلاش نماید لذا مقنن هرگونه تحصیل دلیل، تحقیق و بازجویی را جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع اعلام کرده است؛ بنابراین اگر مقام قضایی برخلاف مواد فوق اقدام به جمع‌آوری دلایل نماید رفتار او خلاف قانون خواهد بود. در جرایم منافی عفت جنسی طبق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فقط زمانی می‌توان تحقیق و تعقیب را شروع نمود و اقدام به جمع‌آوری ادله کرد که یکی از شروط، وجود شاکی خصوصی، در مرئی و منظر بودن جرم منافی عفت، به عنف بودن یا سازمان‌یافته بودن رفتار ارتكابی وجود داشته باشد (۲۰).

درخصوص ممنوعیت تحصیل در امور کیفری برخی از فقها قائل به تفکیک شده‌اند به این نحو که درخصوص موضوعاتی که جنبه حق‌الناسی دارند قاضی می‌تواند اقدام به تحصیل و جمع‌آوری دلیل نماید لیکن درخصوص جرایمی که جنبه «حق‌الله» محض دارند قاضی در تحصیل و جمع‌آوری دلیل مجاز نیست (۲۱). به نظر این گروه سیره معصومین در حق‌الله محض مانند اعمال منافی عفت در فرض راضی بودن هر دو طرف تحصیل دلیل نبوده است همچنان که مردی سه مرتبه نزد امیرالمؤمنین اقرار به زنا کرد و حضرت علی علیه‌السلام به ایشان فرمودند برو تا وقتی به سراغ تو بیایم. مرد رفت و پس از مدتی بازگشت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند اگر نمی‌آمدی به دنبال نمی‌آمدم (۲۲). به‌طورکلی علاوه بر قانون اخلاق حکم می‌کند در جرایم منافی عفت جنسی تا زمانی که شرایط مقرر در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری وجود نداشته باشد مقام تعقیب یا تحقیق حق جمع‌آوری ادله

کیفری و اقامه دعوی علیه متهم را ندارند. به نظر می‌رسد در صورت فقدان ماده ۱۰۲ قانون مذکور حتی اگر پرونده‌ای تشکیل شده باشد و پس از مراحل تعقیب و تحقیق در اختیار قاضی دادگاه قرار گرفته باشد، قاضی دادگاه می‌بایست به دلیل عدم رعایت بایسته‌های اخلاقی و حقوقی تحصیل دلیل و همین‌طور تحصیل دلیل از طریق نامشروع حکم به بی‌گناهی مرتکب صادر نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه رابطه اخلاق و حقوق رابطه عموم و خصوص من وجه محسوب می‌شود، ضروری است در فرآیند دادرسی‌های کیفری، قضات و مقامات قضایی از صدور تصمیمات و اقدامات مغایر با ارزش‌های اخلاقی خودداری نمایند و بایست تلاش نمایند، علاوه بر رعایت اصول قانونی، اصول و ارزش‌های اخلاقی را نیز مدنظر قرار دهند. نقض اصول اخلاقی توسط مراجع قضایی و انتظامی علاوه بر اینکه رفتاری ذاتاً غیراخلاقی محسوب می‌شود، سبب سلب اعتماد افراد جامعه نیز خواهد شد. قانونگذار باید همواره به این نکته توجه نماید که اجرای قانون توسط مجریان آن و شیوه‌ها و ادله اثبات جرایم مطابق با اصول پذیرفته شده اخلاقی صورت پذیرد بنابراین ادله‌ای که خارج از ضوابط جمع‌آوری شده باشد اخلاقاً نمی‌تواند مبنای محکومیت اشخاص واقع شود.

در فرآیند دادرسی هدف همواره محکومیت و مجازات نمودن شخص مرتکب نیست و حقوق جزا علاوه بر سزادهی اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند. در دادرسی کیفری، هدف کشف حقیقت و تحقق عدالت نمی‌تواند توجیه‌گر استفاده از وسایل و روش‌های غیراخلاقی یا مغایر با اصول حقوقی باشد؛ ازاین‌رو، تمامی اشخاصی که در فرآیند دادرسی نقش دارند موظف‌اند درخصوص تحصیل دلیل در چارچوب موازین اخلاقی و انسانی عمل کنند و دستگاه قضایی نباید صرفاً با هدف مجازات نمودن مرتکب یا اثبات رفتار ارتكابی وی، اصول اخلاقی را نادیده گرفته و در پی آن به دنبال جمع‌آوری ادله از طریق نامشروع باشد. نظام کیفری بایست به درجه‌ای از تعالی برسد که طرق نامشروع تحصیل دلیل را مورد پذیرش قرار نداده و

بیانیه هوش مصنوعی

نویسنده اعلام می‌دارد که در فرایند تحقیق، نگارش و ویرایش این مقاله، از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی استفاده نشده است.

در آرای خود صرفاً به ادله‌ای که از روش مشروع حاصل شده‌اند استناد نماید. علاوه بر این موضوع در بسیاری از موارد هرچند که اثبات جرم از اهمیت بالایی برخوردار است لیکن در نحوه اثبات و جمع‌آوری ادله آن باید برخی اصول مهم چون اصول اخلاقی رعایت گردد؛ بنابراین اقداماتی مانند، فریب و اغفال متهم، دام‌گستری، شنود مکالمات تلفنی بدون مجوز، شکنجه، تلقین دلیل و ... ازجمله مواردی است که می‌تواند در جمع‌آوری دلیل خلاف اخلاق محسوب شود و درنهایت ادله اکتسابی را که با عدم رعایت موارد فوق حاصل شده است بی‌اعتبار و غیرقابل پذیرش نماید.

مشارکت نویسندگان

حامد چگینی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلان نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Kazemi SS. Criminal procedure. 2nd ed. Tehran: Majd Publications; 2021. p. 473. [Persian]
2. Pound R, DeRosa ML. An introduction to the philosophy of law. Netherlands: Routledge; 2017. p. 10.
3. Tadayon A. Evidence acquisition in criminal procedure. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2012. p. 33. [Persian]
4. Atashneh M, Benyaini K. The role of ethics in evidence acquisition in Iranian and Islamic law. Journal of Biological Ethics. 2021; 11(36): 2. [Persian]
5. Jafari Langroudi MJ. Legal terminology. 11th ed. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications; 2002. p. 309. [Persian]
6. Ashouri M. Criminal procedure. Vol 2. 4th ed. Tehran: Samat Publications; 2003. p. 200. [Persian]
7. Khodamoradi R, Ghoochibeigi M. The relationship between ethics and fundamental rights of individuals in the Iranian penal system. Ethics in Science and Technology. 2021; 16(3): 10. [Persian]
8. Moradi A. Professional ethics of criminal legislation with emphasis on the Iranian legal system. Specialized Quarterly of Legal Encyclopedias. 2019; (2): 27. [Persian]
9. Borhani M. Ethics and criminal law. 1st ed. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications; 2016. p. 98. [Persian]
10. Dubber MD. Citizenship and penal law. International and Interdisciplinary Journal of New Criminal Law Review. 2010; 13(2): 201.
11. Mohammadi A, Moradi Ghaleh S, Heydari M. Principles governing the acquisition of evidence in Iranian law. Journal of Legal Civilization. 2022; 5(13): 224. [Persian]
12. Ansari B. Media law. 10th ed. Tehran: Samat Publications; 2018. p. 141. [Persian]
13. Abu Amer MZ. Special criminal procedure code. Beirut: Halabi Law Company; 2018. p. 119. [Arabic]
14. Tadayon A. Respect for the privacy of individuals in the place of acquisition of evidence in criminal procedure code of Iran, France and the jurisprudence of the European Court of Human Rights. Nameh-e-Mofid (Comparative Law). 2009; 1(73): 87. [Persian]
15. Nekonam V. Research requirements for the privacy of communication and information data in cyberspace. Journal of New Technologies Law. 2024; 5(9): 27-40. [Persian]
16. Bagheri H, Nabipour M, Esmaili M, Hajitabar-Firoozjaee H. Privacy violation and its instances in the evidence collection stage. Economic Jurisprudence Studies. 2021; 3(5): 183-206. [Persian]
17. Arooti Mowaffagh A. Ethical analysis of disclosing the content of counseling process (with an Islamic approach). Ethics Research. 2017; 9(36): 7-26. [Persian]
18. Fahimi A, Asadi K. A study on the rule of prohibition of evidence suggestion in Islamic jurisprudence. Islamic Law. 2021; 18(70): 31-56. [Persian]
19. Shams A. Evidence for proving a claim. 15th ed. Tehran: Drak Publications; 2012. p. 53. [Persian]
20. Borhani M, Lotfalizadeh E. Explanatory reflections on the Islamic Penal Code. Tehran: Judiciary Publications; 2022. p. 313. [Persian]
21. Bahrani H. Jurisprudential-legal explanation of the judge's attainment of knowledge with a focus on Imam Khomeini's viewpoints. Islamic Law Studies. 2023; 15(48): 101-135. [Persian]
22. Al-Hurr al-Amili M. Wasa'il al-Shi'a. Vol 28. Qom: Al-Bayt Institute; 1987. p. 110. [Arabic]